

## عربستان بازبگر جا مانده از تحولات منطقه

سه اقدام دیپلماتیک عربستان در روزهای اخیر، آشکارا رفتارهای نمایشی و فاقد معنا در عرصه منطقه ارزیابی می شوند و ریاض دوران اثرگذاری حداقلی خود بر جهان اسلام را از دست داده است.



به گزارش آران نیوز به نقل از فارس، در روزهای اخیر، عربستان سعودی دست به چند اقدام قابل توجه زد که بیش از این که نشان دهنده بازبگری فعال ریاض در تحولات منطقه باشد، گویای چنگ زدن دولت سعودی به هر وسیله ای جهت جلوگیری از فراموش شدنش در عرصه تصمیم گیری های منطقه است.

دولت عربستان که نقش غیرقابل انکاری در دامن زدن به بحران سوریه با سازماندهی و ترانزیت تروریست های تکفیری به سوریه دارد، روز سه شنبه این هفته با همکاری قطر، در نشست کمیته سوم سازمان ملل با تهیه پیش نویس قطعنامه ای، بدون نام بردن مستقیم از کشور ایران و روسیه، خواستار محکوم کردن تمامی حملات علیه تروریست های سوری شد. یک دیپلمات سوری در واکنش به این اقدام ضمن نقد شدید این قطعنامه گفته است که حداقل کشورهای عربستان سعودی و قطر هیچ حقی برای سخنوری در مورد حقوق بشر برای دیگران را ندارند. اقدام عربستان و قطر در تهیه این پیش نویس، به معنای تفکیک تروریسم به خوب و بد است. عربستان مدعی است که حملات علیه گروه های میانه روی مخالف در سوریه، به سود گروه داعش و دیگر گروه های تروریستی مانند جبهه النصره منجر می شود و از این رو، چنین حملاتی را محکوم کرده است. در حالی که این استدلال بی مبنایی است، چرا که تفکیک بین مخالفان مسلحی که حدود چهار سال است همگی نبرد مسلحانه با دولت سوریه را هدف مشترکی می دانند، نامعقول است.

از سوی دیگر اساسا شکل گیری تروریست های داعش و النصره با نام ریاض و شاهدگان سعودی همچون بندر بن سلطان گره خورده است. اسناد غیرقابل انکاری از نقش مستقیم ریاض در سازماندهی و گسیل کردن این تروریست ها به سوریه وجود دارد. دو سال قبل، در بحبوحه فعالیت داعش و دیگر گروه های تروریستی در سوریه، نشریه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی افشا کرد که بر اساس اطلاعات برج های مراقبت پرواز و مصاحبه با مقام های کشورهای مختلف و اظهارات فرماندهان مخالفان سوری، کمک های نظامی به مخالفان سوریه که بالغ بر 160 محموله نظامی بوده از سوی دولت های اردن، عربستان و قطر به فرودگاه ایزن بوگا در نزدیکی آنکارا منتقل و از آنجا به دست مخالفان سوریه و تروریست های این کشور رسیده است. این نشریه البته به نقش سازمان سیا و آمریکا نیز در انتقال این حجم عظیم سلاح برای مخالفان سوری اشاره می کند و می نویسد: سازمان سیا در این مدت ارسال 3500 تن سلاح به مخالفان سوریه را پشتیبانی کرده است و تمام نقل و انتقال های سلاح و مهمات برای تروریست ها، شورشیان و مخالفان مسلح سوری با چراغ سبز آمریکا بوده است.

در همان زمان، اسناد «ویکی لیکس»، بندر بن سلطان، رئیس سابق دستگاه اطلاعات عربستان، را جعبه سیاه روابط ریاض - واشنگتن معرفی کرد که پس از ترک پست سفارت عربستان در آمریکا در سال ۲۰۰۵ (سمتی که ۲۲ سال بر عهده داشت)، به همکاری با دولت بوش برای تقویت گروه های سلفی در مقابل گروه های مورد حمایت ایران ادامه داد. پس از افشای گزارش های فراوانی در خصوص نقش بندر بن سلطان در ارسال سلاح های مرگبار برای تروریست ها، خبرگزاری رویترز در گزارشی به نقل از منابعی در گروه های مخالف مسلح سوری و سازمان های اطلاعاتی عربی و غربی و منابع دیپلماتیک گزارش داد که گروه های مسلح در جنوب سوریه شروع به استفاده از موشک های ضد تانکی کرده اند که اخیرا عربستان سعودی برای آن ها ارسال کرده بود.

رویترز در گزارش خود نوشته است منابع امنیتی و دیپلماتیکی و منابعی در مخالفان مسلح از نقش مستقیم شاهزاده سلمان بن سلطان، برادرزاده پادشاه عربستان سخن گفته اند به طوری که شاهزاده سعودی اتاق عملیاتی را در امان با همپیمانان خود مدیریت می کند و البته نشست های منظمی هم در آنجا برگزار می شود و دستورات لازم برای سران ارشد گروه های مخالف ارسال می شود. در واقع سیاست ریاض درباره تروریسم تکفیری، مبارزه با شاخه سلفی القاعده در خاک خود و در عین حال، حمایت از این گروه در دیگر مناطق است. تمام آنچه سعودی ها می خواهند، این است که سلاح های این گروه علیه آل سعود به کار گرفته نشود.

همکاری تکفیری ها با آل سعود وقتی به آخرین خبرهای جنگ یمن توجه می کنیم، بیشتر اثبات می شود. طبق آخرین اخبار گروه از القاعده موسوم به «انصار الشریعه» اعلام کرد اعضای این گروه در حال جنگ در کنار نیروهای عربستان سعودی و مزدوران این کشور در استان تعز یمن هستند. این گروه ویدیویی منتشر کرده است که ده ها ستیزه جوی مسلح را نشان می دهد که علیه جنبش انصارالله و ارتش یمن در عملیات موسوم به جَمَلیه در منطقه ای با همین نام در استان تعز در جنوب غربی یمن می جنگند.

بنابراین عربستان، قبل از این که ریاکارانه از موضوع حقوق بشر در سوریه سخن بگوید، باید حمایت های خود از تروریسم را متوقف کند و به ویژه جنگ و جنایت در یمن را پایان دهد.

یمن، امروزه به کانون آشکارساز اقدامات ضد بشری آل سعود تبدیل شده است و با این که سعودی ها چندین ماه است با انواع مهمات و جنگنده ها، مردم بی دفاع این کشور را قتل عام می کنند، هنوز به اهداف خود دست نیافته اند و در واقع درماندگی عربستان در موضوع یمن، از دیگر عواملی است که ریاض را از عرصه تصمیم گیری منطقه ای به حاشیه سوق می دهد.

دومین اقدامی که سعودی ها در این هفته دنبال کردند، در واکنش به همین موضوع بود. طی این هفته، عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان با سفر به عمان، تلاش کرد از نقش مسقط در منطقه جهت برون رفت ریاض از مخمصه یمن استفاده کند. عادل الجبیر پس از دیدار با همتای عمانی خود در مسقط از محورهای گفتگوهای دوجانبه پرده برداشته و گفت: «در جریان دیدار با همتای عمانی خود با وی درباره آخرین تحولات سوریه و یمن

گفتگو کرده و راهکارهای تقویت همکاری ها میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس را نیز مورد بررسی قرار دادیم». خبرگزاری مهر در تحلیل سفر الجبیر به یمن می نویسد: عربستان سعودی همواره در راستای کاستن از اهمیت نقش عمان در تحولات منطقه تلاش کرده است. حتی پس از میزبانی مذاکرات هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ توسط عمان، تلاش ریاض برای بی اهمیت جلوه دادن نقش کشوری که به عنوان میانجی سنتی منطقه شناخته می شود، افزایش پیدا کرد؛ اقدامی که روابط دو کشور را بیش از پیش تیره و تار ساخت. از سوی دیگر، موضع عمان در قبال ائتلاف «طوفان کوبنده» علیه یمن به زعامت رژیم آل سعود و عدم قبول عضویت در این ائتلاف، اختلافات دو طرف را عمیق تر و آن ها را بیش از پیش از یکدیگر دور ساخت. مقامات مسقط از همان روزهای ابتدایی تجاوز رژیم سعودی به مردم بی دفاع یمن و کشتار وحشیانه آن ها خواستار توقف تجاوز و یافتن راهکاری سیاسی برای حل بحران یمن شدند؛ موضعی که هیچگاه به مذاق سعودی ها خوش نیامد.

به نوشته این خبرگزاری در همان ماه های اولیه تجاوز آل سعود به یمن، عمان چند طرح برای توقف عملیات نظامی در این کشور و حل بحران از طریق راهکارهای سیاسی مطرح کرد که آل سعود هیچگاه حاضر نشد حتی آن ها را بررسی کند. تحلیل گران بر این باورند اکنون که آل سعود در تحقق تمامی اهداف از پیش تعیین شده خود در یمن شکست خورده، یعنی از یک سو نتوانسته منصور هادی را به کرسی قدرت بازگرداند و از سوی دیگر در تسلط بر تنگه «باب المندب» ناکام مانده است، وزیر خارجه عربستان برای نجات کشور خود از باتلاقی که در حال غرق شدن در آن است، دست به دامان عمان برای میانجی گیری شده و به این کشور سفر کرده است.

اقدام سوم سعودی ها، برگزاری چهارمین اجلاس سران کشورهای عربی آمریکای لاتین، به مدت دو روز در ریاض بود که با مشارکت ۱۴ پادشاه، رئیس جمهوری و امیر از کشورهای عربی و پنج رئیس جمهوری از کشورهای آمریکای لاتین برگزار شد. شرکت کنندگان در اجلاس ریاض ادعاهای واهی درباره جزایر سه گانه ایران را بار دیگر روی میز گذاشتند و به زعم خود خواستار حل سیاسی این مساله شدند. بیانیه اجلاس ریاض همچنین با فراموشی حمایت های عربستان از تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، اقدامات ایران در منطقه را مداخله در امور کشورهای عربی قلمداد کرده و با طرح ادعاهای واهی درباره جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، به زعم خود از ایران خواسته است که برای حلی سیاسی مساله جزایر سه گانه تلاش کند.

این اقدام سوم عربستان که بیشتر نمایشی جهت مطرح سازی خود در رسانه های منطقه و به زعم خود اعمال یک فشار رسانه ای بر ایران است، البته کمترین تأثیر را در تحولات منطقه دارد. به عبارتی یک نمایش تبلیغاتی است تا سرپوشی بر شکست ریاض در یمن و سوریه قلمداد شود و کارکردی دیگری ندارد.

بدیهی است که کشورهای آمریکای لاتین حاضر در این نشست، هیچ گونه نقشی در تحولات منطقه ندارند و عربستان جهت بازیابی اعتماد به نفس از دست رفته خود در منطقه، بر شانه های آنان سوار شده است. دولت های وابسته به پادشاهی های فرسوده منطقه نیز، در حد و اندازه ای نیستند که برای جزایر ایرانی خط و نشان بکشند، چرا که ادعاهای آنان هیچ مبنای حقوقی ندارد و صرفاً اعتراضی از سر فراموشی و شکست است. همه این اقدامات عربستان یک معنای مشترک دارد و آن این که سیاست ها و رویکردهای سیاست خارجی ریاض، دیگر خاصیت خود را جهت اثرگذاری در تحولات منطقه از دست داده است و ریاض دوران تبدیل شدن به بازیگری حاشیه ای در منطقه را طی می کند. این سه اقدام عربستان آشکارا رفتارهای نمایشی و فاقد معنا در عرصه منطقه ارزیابی می شوند و ریاض دوران اثرگذاری حداقلی خود بر جهان اسلام را از دست داده است. اکنون افکار عمومی منطقه، ریاض را با معانی همچون حمایت از تروریسم و حمله به مردم بی دفاع می شناسند و می توان گفت اکنون غربی ها نیز حاضر نیستند بیش از این با طناب عربستان که تار و پود آن را عناصر تروریستی تشکیل می دهد، به چاه حوادث منطقه بروند. شاید غربی ها به خاطر چاه های نفت عربستان، ریاض را دارند تحمل کنند، اما تا حد زیادی همانند قبل در راهبردهای منطقه ای خود، روی آل سعود حساب باز نخواهند کرد.